



کرسی‌های آزاداندیشی؛ آسیب‌پژوهی و راه‌کارسنجی



علی‌رضا مازاریان

آزاداندیشی و آزادی عالمان و صاحب‌نظران در طرح و ارائه آرای خود، شرط ضروری و رکن همیشگی رسیدن یک جامعه به سطوح گوناگون پیشرفت است. کرسی‌های آزاداندیشی، طرحی در این راستاست که البته برای شناخت و ارزیابی کامل این طرح نو، نیاز به گذشت زمان و بررسی‌های بیشتر هنوز احساس می‌شود.

شناخت، دانش و زندگی در جهان امروز نسبت به جهان‌ها یا زمانه‌های پیشین تفاوت‌های شگرف و فراوانی یافته و «آزاداندیشی» از سهم ویژه‌ای در پیدایش این دگرسانی‌ها برخوردار است. انقلاب‌های معرفتی، تحولات علمی و تغییرهای عینی بشر در چند قرن اخیر بدون وجود و نظرداشت آزاداندیشی ممکن و قابل تصور نیست. حتی فضاهای اجتماعی محدود و بسته، مجامع علمی قرون وسطایی و حکومت‌های استبدادی

همه مفاهیم ساخته یا بازخوانی شده در طی دو دهه گذشته نیستند، اما برخی از پرکاربردترین آن‌ها هستند. بررسی تأثیرگذاری هر کدام از این ایده‌ها (که برخی نظیر عدالت کاملاً وجهه گفتگمانی پیدا کرده‌اند)، مجال مستقل را می‌طلبد، لیکن واقعیت آن است که برخی از این ترکیب‌ها (مثل مردم‌سالاری دینی) در پارهای مقاطع سرنوشت کشور را به‌طور کامل دگرگون و مسیر حرکت آن‌را از اساس تغییر داده است. تاریخ‌نگاری سیاسی دو دهه اخیر، اگر به‌طور دقیق انجام شود حجم و دامنه این تأثیرات را به‌گونه‌ای قابل لمس بازتاب خواهد داد.

پایان‌بندی

آن‌چه در این مقاله بدان پرداخته شده، مروری فشرده و کوتاه بر مهم‌ترین، مشهورترین و آشکارترین وجوه بنیادین عمل کرد رهبری در حوزه عمومی است. این بحث به‌جهت مختلف نیازمند بازخوانی، بازبینی و ادبیات‌سازی مختص به‌خود است؛ اولاً ادبیات رایج در این باره کاملاً غیرایرانی است و از آن‌جا که مدل ولایت فقیه را در چهارچوب‌های رایج نمی‌توان فهم کرد، به‌ناگزیر و ناچار از بهره‌گیری ارتکازی از این معنای هستیم؛ ثانیاً فقدان پژوهش‌های کاربردی در حوزه نقش رهبری، ضرورت بازپیرایی حرف‌های گفته شده و اصلاح آن‌ها را برای رسیدن به‌چهارچوب مفهومی قابل اعتنا دوچندان مهم می‌کند؛ و ثالثاً از آن‌جا که تأثیر رهبری در اداره کشور (در مسیر توسعه و پیش‌رفت) بر کسی پوشیده نیست و ایشان نیز دهه چهارم انقلاب را دهه پیش‌رفت و عدالت نام نهاده‌اند، باید برای شناخت افق‌های مطلوب و موعود تلاش افزون‌تری کرد تا کشور در مسیر صلاح و سلام، مستدام بماند.

منابع

- اشترینان، کیومرث (۱۳۸۹). ملاحظاتسی در باب سیاست‌های کلی نظام. فصل‌نامه سیاست، دوره ۴۰، شماره یک، صص ۱-۲۲.
- الوانی، سیدمهدی و فتاح شریف‌زاده (۱۳۸۵). فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی. تهران: سمت.
- حضرتی، محمود و فرشته محمدی (۱۳۸۹). سنجش مولفه‌های خدمت‌گزاری در مدیران سازمان‌های دولتی. دوماه‌نامه توسعه انسانی پلیس. سال هفتم، شماره ۲۹، صص ۳۵-۵۴.
- دانایی‌فرده، حسن (۱۳۸۸). روش‌شناسی تدوین خط‌مشی کارآفرینی کشور. فصل‌نامه توسعه کارآفرینی، سال دوم، شماره شش، صص ۱۲۵-۱۵۵.
- دانش‌جعفری، داوود و محمدمهدی برقی اسکویی (۱۳۸۹). بررسی اثرات اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ بر متغیرهای کلان اقتصادی با استفاده از رهیافت مدل CGE. فصل‌نامه پژوهش‌نامه اقتصادی، سال دهم، شماره سوم، صص ۱۵-۳۸.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۹). علوم انسانی و برنامه‌ریزی توسعه. تهران: فردایی دیگر.
- ملک‌محمدی، حمیدرضا (۱۳۷۸). روی‌کردهای نو در سیاست‌گذاری عمومی. فصل‌نامه مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۵، صص ۱۸۱-۱۹۲.
- موسوی، سیدمحمدمهدی و دیگران (۱۳۸۸). رهبری بصیر: اهمیت چشم‌انداز سازمانی. فصل‌نامه مدیریت فرهنگ سازمانی، سال هفتم، شماره بیستم، صص ۱۳۹-۱۶۹.
- وحید، مجید (۱۳۸۱). بررسی فرآیندهای شکل‌گیری و قرارگیری مشکل در عرصه عمومی و دستور کار سیاست‌گذار. فصل‌نامه مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۷، صص ۲۸۵-۳۰۹.
- هاولت، مایل و ام‌راش (۱۳۸۰). مطالعه خط‌مشی عمومی. ترجمه: عباس منوریان و ابراهیم گلشن. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.